

Review Article

A Review of Teb e Ourangshahi in Manuscript, a Medical Work of the Subcontinent

Seyed Amir Jahadi¹

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
Email: jahadi@uk.ac.ir

Received: 12 May 2017 Accepted: 24 Aug 2017

Abstract

Background and Aim: Traditional medicine has been based on valuable old medical works such as Kitab al-Hawi, The Canon of Medicine, Zakhireye Khwarazmshahi, and some such works. The present article aims to examine one of the subcontinent medical books called "Teb e Ourangshahi" written by Darwish Mohammad Hakimi Amn Abadi which has not been emended yet and its manuscripts are still an unknown.

Materials and Methods: The study was conducted through a documentary method. First, a comprehensive list of Teb e Ourangshahi manuscripts was extracted, and then its manuscript kept in Library and Document Center of Iran Parliament was reviewed in terms of philology and descriptive bibliography by means of content analysis method.

Findings: Teb e Ourangshahi is classified among the unknown traditional medicine works, which was written in India. This work has not been introduced and emended yet. Two manuscripts of the book are available in Library and Document of Iran Parliament and some manuscripts are also existing in other Iranian and world libraries. Teb e Ourangshahi's author, i.e. Darwish Mohammad Hakimi Amn Abadi was a competent Iranian physician who emigrated to India and dedicated his work to Aurangzeb. This book has reviewed the fundamentals of old medicine and treatments in seven chapters and more than three hundred sections.

Conclusion: Teb e Ourangshahi is regarded as one of the prominent medical works of India, in terms of statement of Indian sages' ideas, Indian instructions, pharmaceutical measures, and acology. Furthermore, the author spoke of the medical fundamentals of Iranian and Indian sages in numerous places and while expressing his own views, he discussed cohesively. Lastly, in domain of pharmaceuticals, Amn Abadi's certain measures to name them distinctively, are of the most important medical features of the work.

Keywords: Medical Texts; Amn Abadi; Teb e Ourangshahi; Manuscript; Traditional Medicine; Iranian Medicine

Please cite this article as: Jahadi SA. A Review of Teb e Ourangshahi in Manuscript, a Medical Work of the Subcontinent. *Med Hist J* 2017; 9(32): 45-59.

بررسی نسخه خطی «طب اورنگشاهی»، از آثار طبیبی شبه‌قاره

سیدامیر جهادی^۱

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. Email: jahadi@uk.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲

چکیده

زمینه و هدف: پایه و اساس طب سنتی بر آثار ارزشمند طبیبی کهن چون الحاوی، قانون، ذخیره خوارزمشاهی و آثاری از این دست بنا شده است. در این مقاله یکی از کتب طبیبی شبه‌قاره موسوم به «طب اورنگشاهی» نوشته درویش محمدحکیم امن‌آبادی که تاکنون تصحیح نشده و اطلاع دقیقی از نسخه‌های آن در دست نیست.

مواد و روش‌ها: تحقیق بر اساس روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شد. در این پژوهش ابتدا فهرست دقیق نسخ طب اورنگشاهی استخراج، سپس با روش تحلیل محتوا، متن نسخه خطی اثر محفوظ در کتابخانه مجلس، معرفی و از زاویه متن‌شناسی و کتاب‌شناسی توصیفی بررسی شد.

یافته‌ها: طب اورنگشاهی از آثار ناشناخته طب سنتی است و در هندوستان تصنیف شده است. این اثر تاکنون تصحیح و معرفی نشده است. از این کتاب دو نسخه خطی در کتابخانه مجلس و نسخی در کتابخانه‌های دیگر ایران و جهان نیز موجود است. مصنف طب اورنگشاهی، درویش محمدحکیم امن‌آبادی از اطبای حاذق ایرانی است که به هند مهاجرت کرده و اثرش را به اورنگ زیب تقدیم نموده است. این کتاب در هفت باب و بیش از سیصد فصل مهم مبانی طبیبی و دارویی کهن را بررسی کرده است.

نتیجه‌گیری: طب اورنگشاهی یکی از آثار برجسته طبیبی هند به لحاظ بیان آرای حکمای هند، دستورها، تدابیر دارویی و بیان مفردات طبیبی هندی است. علاوه بر این مصنف در مواضع بسیاری به نقل مبانی طبیبی حکمای ایران و هند پرداخته و ضمن ایراد نظر خویش به گونه‌ای مستدل بحث می‌کند. در حیطه دارویی هم تدابیر ویژه امن‌آبادی که اسامی خاص بر آنها نهاده از مهم‌ترین خصایص طبیبی اثر است.

واژگان کلیدی: متون طبیبی؛ امن‌آبادی؛ طب اورنگشاهی؛ نسخه خطی؛ طب سنتی؛ طب ایرانی

مقدمه

طب سنتی ایران از جایگاه ارزشمندی در میان ملل گوناگون برخوردار است و این جایگاه مرهون اطبای نامداری چون ابن سینا، رازی، جرجانی و دیگرانی است که با کوشش فراوان خود این فن را گسترش و توسعه بخشیده و آثارشان چراغ راه پزشکان پس از آنان شده است. دانش پزشکی در ایران باستان، علمی ریشه‌دار و مورد توجه بوده است. نکته حائز اهمیت در این میان تعاملات و مراودات علمی ملل گوناگون و تأثیر و تأثرات متقابل در این بین است، به نحوی که دانش پزشکی در ملل متقدم ایران، هند، یونان و... از تجربیات اطبا این ملل متأثر شده است. از ادوار خاص این نوع تعاملات باید از عصر صفوی یاد کرد. در این دوران بنا به برخی علل، عده کثیری از دانشمندان و ادبای ایرانی به هندوستان که در حکم قبیله آمالشان است، می‌کوچند و با اقبال و استقبال کم‌نظیری در آن دیار رو به رو می‌شوند که به رونق علم و دانش و عرضه آن به زبان فارسی در شبه‌قاره منجر می‌گردد. مهاجرت پزشکان ایرانی به سرزمین‌های جدید سبب آشنایی آن‌ها با دانش پزشکی مناطق جدید شد و از این راه در آثارشان نیز نمود و بروز یافت، به گونه‌ای که منجر به نوعی داد و ستد علمی گشت و سبب شد تجارب طبی ایرانی و هندی در این آثار مطرح شود. از دانشمندان برجسته‌ای که به هند کوچیده، «از همه معروف‌تر نورالدین محمدعبدالله بن حکیم عین‌الملک شیرازی است... اثر مهم‌تر این نویسنده کتابی است که به عنوان طب داراشکوهی معروف است» (۱).

بسیاری از پزشکان ایرانی که در عصر صفوی به هند کوچیدند، مکتب طب هندی را با آموزه‌های طب سنتی ایرانی بارور ساخته، خود نیز با طب کهن شبه‌قاره آشنایی یافتند. «در این دوره، تأثیرات طب هندی دگرباره آشکار شد و ایرانیانی که به دربار مغولان هند مهاجرت کرده بودند، سهمی درخور توجه در طب دوره صفوی داشتند. در این روزگار برای تکمیل نظام سنتی و کهن اسلامی، آثاری چون قانون ابن سینا، ذخیره جرجانی، داروشناسی گیاه‌شناس بزرگ ابن بیطار و آزمایش‌های بالینی جدیدی شکل گرفت و این کار با بهره‌گیری جدید آغاز شد...» (۲).

در دوران صفوی آثار طبی برجسته‌ای تألیف شد. «نخستین کتاب پزشکی که در عصر صفوی نوشته شد، دستور العلاج نوشته سلطان علی جنیدی خراسانی هروی است. باب اول این کتاب درباره دلایل بیماری و نبض است» (۱). از بابت نظام بهداشتی و طبی این روزگار باید گفت که «تشکیلات پزشکی در دوران صفویه، انسجام خاصی داشت و «رئیس الاطبا» یا پزشک مخصوص شاه، شخصیت ممتازی بود و تعداد زیادی از پزشکان دیگر تحت ریاست او به کار پزشکی دربار، لشکریان و دستگاه‌های اداری مملکت نظارت داشتند (۲). در حدود قرن دهم هجری، مراقبت و نظارت در شغل طبابت بر عهده یکی از دیوانیان، یعنی حکیم‌باشی، محول بود. نظارت عمومی بر شاغلین امر طبابت، از هر مقامی که بودند و بر سایر کارهای وابسته به طب از قبیل داروفروشی و نیشترسازی و نظایر آن‌ها، به وسیله یک مرد غیر طبیب ملقب به محتسب یا «بازرس کل» اعمال می‌شد (۳).

درویش محمدحکیم امن‌آبادی نیز در زمره همین گروه پزشکان برجسته صفوی است که بنا به دلایلی نامعلوم به هندوستان و به دربار اورنگ زیب، پسر شاه‌جهان، پادشاه مقتدر گورکانی آنجا وارد شده است. دانشمندان و اهل ادب معمولاً و به رسم هدیه، یکی از آثار نو تألیف خود را به دربار شاهان تقدیم می‌داشتند. امن‌آبادی نیز در هند به نگارش اثرش دست زده است. «مشخصه فرهنگ پزشکی هند در عهد گورکانی، تولید متن‌های فارسی درباره طب هندی و موضوعات مرتبط به آن بود... تولید متن‌های فارسی و اردو درباره طب و علوم هندی را باید یکی از پیکره‌های اصلی تحقیقاتی علمی دانست که در دنیای اسلام صورت می‌گرفت و موضوع مرکزی آن سنتی بود که به دوره پیش از اسلام مربوط می‌شد... انگیزه اصلی تحقیق در حوزه طب و داروشناسی هندی ملاحظات عملی، از جمله پیداکردن جایگزین‌هایی بومی برای داروهای خارجی بود... آنان بعضی از این آثار را به اسم اورنگ زیب نیز نامگذاری می‌کردند که از آن جمله است طب اورنگ شاهی نوشته درویش محمد، پیرو فرقه چشتیه، که کتاب راهنمای جامعی درباره طب هندی است» (۴). امن‌آبادی به تمام جزئیات و دقایق طب سنتی هند آشنا گشت و در تصنیف اثر

منابع دیجیتال بررسی و نسخ این اثر یادداشت شد، سپس در منابع مجازی نظیر سایت‌های دیجیتال کتابخانه‌هایی مانند مجلس و ملی جستجو انجام شد و نسخی از این اثر جمع‌آوری گردید. برای اطلاع از احوال مؤلف نیز به منابع مکتوب تاریخی و نیز بانک مقالات مرتبط رجوع شد. در این مقاله نویسنده کوشیده است تا از زاویه متن‌شناسی و کتاب‌شناسی به بررسی و تحلیل محتوایی و طبقه‌بندی ساختاری و نحوه بیان مطالب طبی در طب اورنگ شاهی بپردازد.

یافته‌ها

۱- احوال مؤلف

برای یافتن شرح احوال درویش محمدحکیم امن‌آبادی غالب کتب مرجع تاریخی، طبی و ادبی بررسی شد. با وجود این متأسفانه دسترسی به اطلاعاتی پیرامون این حکیم مشهور ایرانی میسر نگشت. امن‌آبادی به احتمال فراوان در شمار آن گروه از فضایی کثیر ایرانی است که به علل گوناگون از قلمرو ایران صفوی به دربار پادشاهان دانش‌دوست و ادب‌پرور هندی مهاجرت کرده و به رسم ادب و پذیرفته‌شدن در درگاه سلطنتی، تحفه‌ای علمی تقدیم داشته‌اند. درباره مصنف اثر، از خلال کتاب نیز مطالب مختصر و نارسایی به دست می‌آید، از آن جمله که امن‌آبادی دست ارادت به دامان همت شیخ فریدالدین شکرگنج از بزرگان اولیای آن دیار دراز کرده است. مطالب دیگر نظیر احوال و زندگی امن‌آبادی، استادان او، حرفه وی در ایران، علت مهاجرت، تاریخ ورود مؤلف به هند و چگونگی راه‌یافتن او به دربار اورنگ زیب، نیز متأسفانه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و به رغم جستجوی بسیار نگارنده، حتی از خلال متون معتبر تاریخی و طب اورنگ شاهی نیز مطلبی یافت نمی‌شود.

۲- نسخه‌های اثر

این اثر تاکنون تصحیح نشده است. نسخه‌ای عکسی از این اثر توسط مرحوم دکتر اصفهانی در سال ۱۳۸۸ منتشر شده و ایشان تصریح کرده‌اند که کیفیت پایین نسخه مانع از بررسی و خوانش دقیق آن است و صرفاً به انتشار تصویری آن همت گماشته‌اند. نسخه کاملی از این اثر در کتابخانه مجلس شورای

خویش از آن سود جست و حتی با تکیه بر تجارب و مشاهدات خویش، نکات نو و جدیدی را نیز بیان کرد. با توجه به گستره موضوعی طب اورنگ‌شاهی باید این اثر را یک فرهنگ‌نامه مختصر طبی به شمار آورد که نویسنده سعی داشته به اهم موضوعات طب پرداخته، نوعی راهنمای مختصر و در دسترس را برای اطبا بنگارد. طب اورنگ شاهی پیشتر از آنکه صرفاً به بازنمایی طب کهن ایرانی پرداخته باشد، متأثر از آرای طبی طبای هندی است. بدان روی که این اثر به اورنگ زیب تقدیم شده است، امن‌آبادی کوشیده که خلاصه‌ای شامل و کامل از طب کهن هند را همراه با مبانی طب سنتی که در ایران بدان‌ها اشراف داشته، تصنیف و عرضه دارد. امن‌آبادی پس از ورود به هند، اصول طبی آن دیار را به خوبی فرا گرفته و خود نیز در این زمینه به مشاهده و آزمایش پرداخته و نتایج این موارد را در قالب تدابیر خاص فردی خویش در اثرش بیان نموده است. مسأله اصلی پژوهش، معرفی و شناخت یکی از آثار کهن طبی است که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و مسائلی از قبیل ساختار و موضوعات کتاب و بیان ویژگی‌های اثر. هدف نویسنده در این مقاله آن است که صرفاً از منظر کتاب‌شناسی توصیفی به متن‌شناسی طب اورنگ‌شاهی بپردازد و پنجره‌ای را فراروی پژوهندگان طب سنتی ایران و هند بگشاید تا از رهگذر این اثر ارزشمند، به تکمیل تحقیقات و بررسی‌های طب سنتی اقدام نمایند. به هر روی بررسی طب اورنگ شاهی از زاویه طب سنتی کهن ایران و نیز معیارهای طبی هندوستان، مجال و گفتار دیگری می‌طلبد که در این مختصر نمی‌گنجد و به نوعی در راستای رسالت محققان و استادان آشنای به این حیطه است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل محتوا انجام شده است، به گونه‌ای که تمام نسخه خطی اثر بررسی و طبقه‌بندی موضوعی شده است تا بتوان به سؤالاتی پیرامون احوال مصنف، سبب تألیف، تعداد نسخ خطی اثر، موضوعات کتاب، ارزش‌های طبی و دارویی متن، پاسخ گفت. برای انجام این پژوهش نخست فهرست‌های نسخ خطی و

نام و نشان خویش و استاد عرفانی و پادشاه زمانه خویش را بیان کرده است: «بعد هذا این فقیر حقیر درویش محمدحکیم امن آبادی مرید حضرت قطبالاقطاب شیخ فرید شکرگنج چند حرفی دهقانیه در مدح درگاه عالم پناه عرش اشتباه... ابوالمظفر محمدمحبی الدین اورنگ زیب بهادر...» (۶).

درباره سبب تألیف نیز چنین نوشته است که خواسته هدیه‌ای به جهت درگاه اورنگ زیب فراهم آورد، البته به فضل خویش در فن طبابت نیز اقرار می‌نماید: «چون پاره شعور اندرین فن یافتیم تا اسب امید را پس هر مهتری و کهتری تاختم» (۶). وجه تسمیه عنوان اثر نیز چنین است: «پس گفتمش خوب بنا بر آن این کتاب را که موسوم است به اسم طب اورنگشاهی قانع الامراض هدیه حضرت خاقان کامگار سایه مرحمت آفریدگار... ساختم...» (۶).

۵- طب هندی در کتاب طب اورنگ شاهی

اولین اطلاعات قابل اطمینان در مورد پزشکی و پزشکان در هند از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد در دسترس است (۷). «هندوستان دارای میراثی است که از ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد... جنبه‌های گوناگون طبیعت و جهان را با مشاهدات خود آزمایش کردند و نتیجه‌گیری و یافته‌های خود را از طریق وداها (Vedas) که به عنوان سورتی (Sruti) شناخته می‌شود، عرضه کردند... از چهار ودا، ریک (Rik)، شام (Sham)، یادو و آسروا (Yadu and Atharva) و ریک و آسروا (the Rik and Atharva) به شکلی جدی سلامت انسان را پوشش قرار داده‌اند» (۸).

در ودا، از مقوله‌ای به نام آیورودا (Ayurveda) نام برده شده است. «آیورودا (علم زندگی) نظام هند باستان در مراقبت‌های بهداشتی و حکمت تجربی را با سابقه بیش از ۵۰۰۰ سال نشان می‌دهد» (۹). آیورودا یا نظام کهن حفظ سلامتی در هندوستان به نوعی مراقبت‌ها و پیشگیری از بیماری و نگاهداری از سلامت و تندرستی اطلاق می‌شود. تمرکز این نظام بر حفظالصحه است. «هند برای نظام‌های دارویی سنتی‌اش شناخته شده است که در آیورودا، سیدا (Siddha) و یونانی (Unani) که نظام‌های مشابه پزشکی‌اند، نیز یافت می‌شود... مفهوم آیورودا بین ۲۵۰۰ و ۵۰۰ پیش از میلاد در

اسلامی به شماره ۱۸۱۲۲ محفوظ است. نسخه در اندازه ۱۴×۲۰/۵ سم و ۶۲۳ صفحه ۱۵ سطری در سال ۱۱۱۱ قمری تحریر یافته است (۵). ترقیمه نسخه چنین است: تمام شد طب اورنگ شاهی تصنیف قدوه الحکمای محمد درویش حکیم به روز چهارشنبه به وقت نماز ظهر سنه ۱۱۱۱ (۶). در این نوشتار، نسخه یادشده پایه بررسی و پژوهش است. نسخه متأخرتری نیز بدین مشخصات در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است: شماره ۲۰۸۲۸، کتابت، قرن ۱۲ یا ۱۳ ق. ۱۵×۲۹ سم ۱۹ س. ۴۶۲ ص. علاوه بر این، از اثر حاضر نسخه‌ای در کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع) نیز موجود است. نسخه‌ای از طب اورنگشاهی در مجموعه نسخه‌های خطی مؤسسه پژوهش‌های خاوری در شهر دوشنبه و نسخه دیگری نیز در یکی از کتابخانه‌های انگلستان موجود است که متأسفانه دسترسی به آن‌ها میسر نشد.

۳- فهرست مطالب طب اورنگشاهی

طب اورنگشاهی در هفت بخش اصلی موسوم به باب تدوین شده است. هر بخش از اجزای فرعی به نام فصل تشکیل شده است. تعداد فصول ۳۰۴ فصل است. ابواب اثر عبارت است از:

باب اول: در ارکان و اخلاط و تشریح اعضا؛ باب دوم: در معالجات امراض؛ باب سوم: در دفع امراض زنان؛ باب چهارم: در بیان گشتن دهات‌های و اوصاف آن‌ها؛ باب پنجم: در بعضی تدبیرهای که مدار طبابت است و چنانچه اسهال و قی و فصد و... حقنه و مانند آن؛ باب ششم: در بیان ساختن معاجین و سفوف و جوارشات و غیر ذلک؛ باب هفتم: در معرفت مفردات. به جهت احتراز از تطویل، از ذکر فصول اثر چشم‌پوشی شد.

۴- مقدمه و سبب تألیف

متن اثر با ستایش خداوند و اشاره‌ای کوتاه و ضمنی به طبابت آغاز شده است: «حمد و سپاس مر حضرت حکیمی را که به حکمت بالغه و قدرت کامله به یک حرف کره فلک و استقسات را بیافرید و نتایج استقسات موالید ثلاثه را گردانید و هر یکی را روحی بخشید، یعنی جمادی و نباتی و حیوانی، بعده شمس طاق مخفی نور نیوی را از پرده عظمت ظاهر آورد و هادی آخرالزمان گردانید» (۶). در مقدمه، امن‌آبادی

هند شکل گرفت و توسعه یافت. علم زندگی، سیستم بهداشتی باستان هندی است و بر مراقبت از انسان و بیماری او متمرکز است، بوده است... آیورودا دانش طول عمر نیز نامیده می‌شود، چراکه یک سیستم کامل برای زندگی طولانی و سالم ارائه می‌دهد (۱۰).

دانش پزشکی در نزد هندوان از زمان قدیم ارزش فراوانی داشت، به گونه‌ای که به صورت عوامل و عناصر ماوراءالطبیعه در تشخیص و درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند، حتی «در هند باستان برای معالجه دردها از افسون‌ها و طلسم‌هایی نیز استفاده می‌کرده‌اند، آن‌چنانکه استعمال افسون‌های درمان‌پذیر بر تمام داروها تقدم داشته است» (۱۱). بررسی پیشینه طب در شبه‌قاره نمایانگر تصنیفات متعدد و حکیمان پرشماری است که از دیرباز بدین مقوله همت گماشته‌اند. «کتب باستانی هند حکایت می‌کنند که حدود دو هزار سال ق.م. هندی‌ها در امر بهداشت و طب از سایر ملل باستان پیشرفته‌تر بوده‌اند. از جمله به علت توسعه علم تشریح و رواج تشریح جسد، جراحی هند توسعه زیادی یافته بود که تا قرون اولیه میلادی نیز ادامه داشت» (۱۲). از وجوه اهمیت طب اورنگشاهی بنا به بیان امن‌آبادی در دیباچه، آن است که او از آثار تألیف‌شده حکیمان و اطبا هندوستان بهره برده در ضمن تألیف خویش سود جست است. این رویه مؤلف، هم می‌تواند مورد مقایسه با آثار مشابه طب ایرانی قرار گیرد و هم دریچه‌ای به سوی طب سنتی در شبه‌قاره هند بگشاید: «و چون پنیر بی‌مایه نمی‌باشد از آن جهت شمه‌ای به طریق انتخاب از کتب هند انداختم...» (۶). آن‌گونه که نویسنده در دیباچه به استفاده از منابع هندی اشاره کرده است این مسأله در متن اثر نیز نمود یافته است. این نکته بیانگر ارزش کتاب در باب شناخت طب کهن هندوستان و طبایب برجسته آن دیار است: «و بعضی اطبا هند چنانچه وهنتروسرت و جرک انسان را مرکب از پنج تت یعنی از خمس عناصر گرفته‌اند، چه چهار مذکور و پنجم آسمان...» (۶). در مواضع بسیاری نیز آرای طبیبان هندی ذکر شده و گاه خط بطلانی بر آن‌ها کشیده شده است: «پوشیده‌نماند که اطبا هند بر سه اخلاط گفته‌اند و خون را داخل صفرا داده‌اند، اما این قول باطل است، چراکه شیء لطیف در لطیف‌ماندن

نمی‌تواند و ار ماند محترق گردد چنانچه شهب...» (۶). افزون بر موارد یادشده، آرای طبایب هندی نیز نقل شده است: «بدان که نزدیک حکمای هند، زمانه جوهری است قائم به ذاته و مجرد از ماده که همیشه موجود باشد قابل عدم نیست و زمانه برسه قسم است، ماضی و حال و مستقبل و چون زمان نزدیک ایشان فنا و تغییر ندارد، پس ماضی و استقبال و حال در حقیقت صفت آن نباشد، بلکه این هر سه بر طریق مجاز گفته‌اند...» (۶). لازم به یادآوری است که طب اورنگ شاهی، به واسطه نویسنده ایرانی‌اش صرفاً نمایانگر دانش پزشکی کهن ایران نیست. اکثر مباحث و مبانی طبی اثر و مدخل‌های طبی آن، برگرفته از دانش طب سنتی هندوستان است که امن‌آبادی در شبه‌قاره فراگرفته و در این اثر نگاشته است.

۶- معادل‌ها و مفردات طبی هندی

بدان روی که این اثر در شبه‌قاره تألیف شده و به اورنگ زیب تقدیم گشته است، امن‌آبادی غالباً از مصطلحات و اسامی خاص هندی برای بیان نام بیماری‌ها، علائم، تدابیر طبی و نیز نسخ دارویی استفاده می‌کند. از این حیث طب اورنگشاهی مخزنی غنی از واژه‌های کهن طبی هندی است. برای نمونه در یکی از بخش‌های اثر پس از ذکر مبانی طبی خواب، مبانی هندی آن را با ذکر معادل‌های هندی آن برشمرده است و در فصل بیست و دوم در که در بیان کیفیت زیاده‌شدن اخلاط است (۶). در مورد برخی علائم تشخیص امراض به معادل‌های هندی سخن گفته است: «علامات سرایت بلغم یکی است ندرتاً، یعنی غلبه خواب دوم کورد یعنی گرانی وجود سیوم یکپه لیپ یعنی چفسیدگی (شکل کهن لغوی) دهن چهارم... یعنی روانی آب از دهن پنجم... یعنی سفیدی بول ششم یعنی سپیدی غایط...» (۶).

۷- ساختار اثر

روش طرح مطالب در غالب ابواب طب اورنگشاهی بدین گونه است که امن‌آبادی در ابتدای هر باب، ابتدا مبانی طبی را ذکر کرده است، سپس آرای هندوان را بررسی کرده است. فصول اثر بعضاً مختصر و کوتا‌ه‌اند.

در باب دوم اثر که به بحث شناخت بیماری‌ها و بیان تدابیر درمانی پرداخته شده است، ساختار ویژه و جدیدی دیده

به بیان مطالب علمی طب کهن اهتمام نموده است. از دیگر فواید زبانی اثر باید به کثرت کاربرد اصطلاحات و واژگان تخصصی و پارسی طب سنتی و ارزش لغوی این کلمات اشاره کرد. بسیاری از این کلمات قابلیت جایگزینی با اصطلاحات طبی و تخصصی غیر فارسی در پزشکی امروز را دارند که از این حیث قابل بررسی و مطالعه هستند. همان‌گونه که پیشتر نیز بیان شد، در کنار گستره بسیار واژه‌های پارسی، تعداد فراوانی معادل‌های طبی هندی نیز ذکر شده است، البته باید خاطرنشان ساخت که امن‌آبادی پس از تعریف و توصیف مقولات طبی و توضیح آن‌ها، معادل طبی هر موضوع و مسأله‌ای را ذکر می‌کند.

۹- طرح پرسش و نقد آرای طبی متقدمان

یکی از روش‌های مورد استفاده امن‌آبادی، ایجاد شک و تردید و خط بطلان‌کشیدن بر آرای نادرست طبی و طرح پرسش در باب آن است تا اذهان مخاطبان و متعلمان را برانگیخته، وادار به تلاش ذهنی نماید و از رهگذر این سؤالات نادرستی‌های طبی متقدم را به چالش بکشد. مصنف البته پس از سؤال، پاسخ دقیق و منطقی را به گونه‌ای مستدل و متقن بیان می‌دارد: «اما این اقوال باطل است، چراکه اگر این طور باشد، پس ضدش نیز باید، زیرا که به جز ضد خود هر عنصر ممتد در ترکیب‌ماندن نمی‌توان، سؤال: اگر آسمان را در ترکیب دخل نباشد، پس جنین را از کسوف و خسوف ضرر نمی‌رسد؟ ضرر با جنین از روی خاصیت می‌رسد نه از روی طبیعت چنانچه به بستن استخوان سگ در گلوی حیوان مؤلف از روی خاصیت کرم‌های او را بمیراند» (۶). نمونه دیگری از سؤال و جواب: «سؤال آنکه بالا مذکور گشت چگونه در وجود انسان پیدا می‌شود؟ جواب به خوردن هر چهار نوع غذا بعد یک روز خلاصه حاصل می‌شود و از خلاصه بعد یک روز خون و از خون بعد یک روز گوشت و از گوشت بعد از یک روز پیه و از پیه بعد یک روز استخوان و از استخوان بعد یک روز مغز استخوان و از مغز استخوان بعد از یک روز منی» (۶).

۱۰- ذکر آرای سایر حکما

در ضمن مباحث به اندیشه‌ها و مبانی طب اطبای پارس نیز استشهد شده است و غالباً مصنف نظر خاص خود را در

می‌شود که بدین ترتیب است: ۱- در ابتدا بیماری را تعریف می‌کند: «بدان که خفقان مرضی است که دل را اختلاج مع طپیدن پیدا گردد...» (۶)؛ ۲- ذکر آرای طبیبان دیگر و نقد اندیشه‌های آن‌ها: «و بعضی طبیبان مجهول، ربو و ضیق‌النفس را از جهل، کمال خفقان گویند، اما فرق آنست که ربو دم زدن است کوتاه و به شتاب مثل دم شخصی که دویده آمده باشد...» (۶)؛ ۳- ذکر علت و اسباب شکل‌گیری مرض: «اما سبب خفقان گرم اکثر از عوارض نفسانی چنانچه غصه و اندوه و فکر و مانند آن می‌باشد و گاه باشد که از بوی گیاه‌های زهرناک و یا از هوای گرم اکثر و یا از غلبه صفرا نیز می‌باشد...» (۶)؛ ۴- ذکر علائم بیماری: «علامتش تشنگی و خشکی دهان و سوزش حوالی دل است و نیز راحت‌یافتن از هوای خنک و رنج دیدن از هوای گرم.» (۶)؛ ۵- ذکر درمان و علاج بیماری: در این بخش با توجه به سبب بیماری، علاج آن را ذکر کرده است: «اگر از سبب عوارض نفسانی باشد به تدبیری متضاده عوارضش را فرونشاندن و میوه‌های خشک بویانیدن با صواب است، اگر از غلبه صفرا می‌باشد بعد مسهل، ضمادهای خشک بر سینه و دل نهادن و بعضی اشربه سرد و خنک در عمل آوردن و نیز در خانه، صندل و کافور و گلاب‌پاشیدن مجرب و مفید است» (۶)؛ ۶- بیان دستورالعمل ساخت دارو: «صفت ضمادی که خفقان گرم و احتراق‌الصدر را رفع کند: صندل سپید و طباشیر و گشنیز از هر یک ده درم، کافور و گل مختوم از هر یک سه درم، بعد هذا همه را باریک‌تر سائیده با گلاب و لعاب بذر قطونا آمیخته بر سینه و دل ضماد کند» (۶). در ادامه چندین دستور دارویی و نحوه ساخت آن‌ها ذکر شده است که همگی از لحاظ داروشناسی سنتی و فواید گیاهان دارویی قابل تأمل و بررسی است.

۸- زبان علمی اثر

مهم‌ترین خصیصه در آثار علمی که در حیطه‌های مختلف علوم تألیف و تصنیف شده‌اند، سادگی زبان و بیان مؤلف است، چراکه نثر این‌گونه آثار اقتضا می‌کند که متن، صراحت لهجه و دوری از ابهام و دوپهلویی داشته باشد. مشخصه مذکور عیناً در طب اورنگشاهی نمود یافته است و همه جا امن‌آبادی به روشنی و به دور از کلام مبهم و پیچیده و با سادگی و روشنی

تعدادی از ابیات وی - که البته خالی از اشکالات ادبی نیست - نقل می‌شود:

یقین خلط چاراندای مهربان	کنم پیش تو هر یکی را بیان
چو صفرا و بلغم دگر باد و خون	همین است اخلاط ای ذوفنون
یکی گر از این‌ها بر آرد فساد	شود مرض ظاهر یقین در نهاد
اگر هر سه اخلاط فاسد شوند	محال است که دارو بود سودمند
تردوگهش بخوانند هندوستان	ورا نیز بر پانزده نوع دان (۶)
به قول طبیبان صاحب هنر	سه اعضا رئیسند اندر بشر... (۶)
چو مسلول را کار آخر رسد	در آن وقت پایش ورم می‌کند
در این حین دارو نباید به کار	کند خواه لقمان دوا چندبار (۶)

۱۲- باورهای طبی

یکی از پایه‌های فکری بشریت و به ویژه عوام در روزگاران کهن، اعتقاد به باورهای مذهبی، طبی و بعضاً خرافی است. نمونه باورهای متعددی در طب اورنگشاهی ملحوظ است. این قبیل باورهای طبی به مقولات شناخت بیماری‌ها، تدابیر طبی و داروها اختصاص دارد. برای نمونه در خصوص برخی بیماری‌های مادرزادی نوزادان می‌نویسد: «... مؤلف گوید که ماده ریش زن از سبب خارجی است و تعلق به اقسام منی ندارد، چه اگر در مجامعت خصوصاً در وقت انزال منی خود زن صورت مرد بیگانه را در دل آرد و میل باطنی از روی محبت بر آن کند اگر از این مجامعت پسر زاید آن عنی آید احیاناً اگر عنی نباشد کوسه البته برآید و اگر به وقت مجامعت منی مرد و خون زن به همدیگر آمیخته دو بخش گردند از آن مجامعت توامان پیدا می‌شوند چنانچه به منقسم‌بودن قطره در صدف مرواریدهایی پیدا می‌گردند...» (۶).

در باب تعیین جنسیت نوزاد نیز باوری جالب توجه ذکر کرده است: «... اگر در آن وقت منی مرد غالب بر خون زن آید پسر مخلوق گردد و اگر بر عکس این باشد دختر زاید...» (۶).
باور دیگری در باب برانگیختن میل و علاقه جنس مخالف خویش ابراز شده است: «و هر که تنبول خورد به سوی او زنان بسیار دوست‌دار شوند و اگر زن تنبول بخورد مردان به سوی او مایل باشند...» (۶). برخی باورها را نیز باید در زمره خرافات و پندارها به شمار آورد، مانند مطالبی که درباره سوزاک گفته شده است (۶).

باب مقوله مورد بحث بیان می‌کند: «پوشیده نماند که حکیمان فارسی مرض بالا را از ریش شش پنداشته‌اند و گفته‌اند که چون شش دائم متحرک است، پس ممکن نیست که ریشش درست گردد و به جز درستی ریش حیاتی مریض محال است و ما گفتیم که عدم درستی ریش به واسطه حرکت شش نیست، بلکه به واسطه رقت خون شش است، چراکه خون شش رقیق‌زاست به نسبت خون اعضای دیگر کالکبد و الحجاب و السپرز و مثل‌های آن از آن جهت قوام خوردن و ریش را درست کردن نمی‌تواند...» (۶). تعداد بسیاری از آرای خاص و نظرهای امن‌آبادی تحت عنوان فایده در خلال مطالب درج شده است. مؤلف غالباً با عنوان عام حکیمان فارسی از اطبای ایرانی یاد می‌کند. از این جهت بررسی تأثیرپذیری امن‌آبادی از آثار طبی کهن تا حدی دشوار است. با وجود این، گاهی با ذکر نام از اطبای برجسته‌ای نظیر زکریای رازی نیز نقل مطلب کرده است: «جوارش دیگر به قول محمد زکریای رازی معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد و بوی دهن را نیز خوش کند...» (۶).

۱۱- اشعار امن‌آبادی

یکی از علل منظوم‌نمودن آموزه‌های علمی، جایگیری بهتر و سهولت یادگیری مطلب در ذهن مخاطبان است. «طب سنتی، علمی مردمی بود و به همه طبقات از دانشمندان طراز اول تا مردم کوچه و بازار تعلق داشت و به همین دلیل از زبان شعر برای تعلیم آن استفاده می‌کردند. اشعار کتب مزبور، به طور کلی به قدری ساده هستند که خیلی راحت و سریع می‌توان آن‌ها را به خاطر سپرد و حفظ کرد و هر خواننده‌ای با مطالعه آن‌ها فوراً یک سری اطلاعات سطحی از بیماری‌های مختلف پیدا می‌کند و هر کس می‌تواند در یکی از آن‌ها شعری را بیابد که مضمون آن بیش و کم منطبق با حال و احوال خودش باشد» (۱۳). مصنف طب اورنگشاهی از ذوق و قریحه شعری برخوردار است و گه‌گاه برخی آموزه‌های طبی را با زبان نظم بیان کرده است، البته این رویکردی مسبوق به سابقه در طب کهن ایرانی است و آثاری تمام منظوم را نیز می‌توان در این باب یاد کرد. معمولاً امن‌آبادی مهم‌ترین علائم امراض و نیز تدابیر دارویی را به نظم سروده است. ذیلاً و برای نمونه

منقسم بر پنج قسم است، یعنی به اعتبار حس مشترک و خیال و واهمه و مثلها، پس چون دماغ از قبیل اعضای رئیسه است از آن جهت تبارک و تعالی این را اندر هفت پرده آفریده است تا آن را آفت‌های زودتر نرسد، پرده اول موی است، پرده دوم پوست، پرده سیوم گوشت، پرده چهارم استخوان، پرده پنجم پوست قوی که پوسه است با استخوان و ششم پوست تنک که زیر این پوست مذکور است و پرده هفتم غشای رقیق‌تر و غیر محسوس است بر سطح دماغ ملاصق است و مزاج دماغ را اکثر طبیبان سرد پنداشته‌اند...» (۶).

۱۴- داروها، تدابیر دارویی و نسخه‌های دارویی ویژه امن‌آبادی

از پردامنه‌ترین و مبسوط‌ترین مباحث طب اورنگشاهی، مباحث مرتبط به داروشناسی و تدابیر دارویی است. عنوان بسیاری از داروها با معادل‌های هندی ذکر شده است. «شبه‌قاره هند مخزن وسیعی از گیاهان دارویی است که در آن از درمان‌های سنتی پزشکی استفاده می‌شود... استفاده از گیاهان به عنوان یک منبع پزشکی یک عمل باستانی و مهم بوده است و جزء نظام مراقبت بهداشتی در هند است» (۱۰). شایان ذکر است که هندوستان از دیرباز به عنوان یکی از مناطق زرخیز گیاهان دارویی و طب سنتی در کتب تاریخی و طبی یاد شده است. «در هند، استفاده بومی از محصولات گیاهی سابقه‌ای کهن دارد و بخش مهمی از سیستم مراقبت بهداشتی است. اطلاعات در مورد گیاهان یا گیاهان درمانی و اثربخشی آن‌ها در وداها (Vedas) آمده و مستند شده است و این دانش سینه به سینه و شفاهی از نسلی به نسل بعد منتقل شده است. در هند ۴۵۰۰۰ گونه گیاهی وجود دارد که بیش از ۳۵۰۰۰ آن به عنوان گیاه حائز ارزش دارویی شناخته شده است (Lewington, 1993)» (۱۴).

امن‌آبادی که نیز به هند مهاجرت کرده و با این گنجینه بی‌همتا رو به رو شده، کوشیده که به خوبی از این قابلیت جغرافیایی شبه‌قاره بهره برد. بدین رو تدابیر تهیه نسخه‌های دارویی زیادی در طب اورنگشاهی مشهود است که اکثراً حاصل تجربیات و مشاهدات مصنف است. از جمله در فصل بیست و چهارم که به اسامی مصطلح و مشهور بعضی از داروها پرداخته است: «و هر دارو که گرسنگی را افزایش و خلط روده را

باور جالب توجه دیگری نیز درباره تأثیر آسیب دیو پری و سحر و جادو در نازایی زنان ذکر شده است (۶). نگاه امن‌آبادی به باورهای طبی ذکرشده در طب اورنگ شاهی بیشتر ایجابی است. غالب این باورها، باورهایی است که وی در سرزمین مادری با آن‌ها آشنایی یافته است. با وجود این، در برخی موارد مانند آنچه که درباره گیاه تنبول ذکر شده است، رد پای باورهای هندی مشهود است. برخی از این موارد نیز ریشه در معتقدات دینی و مذهبی مصنف اثر دارد. از جمله این‌که در یکی دیگر از مباحث اثر به باور مذهبی و فراطبی در مورد صدقه‌دادن پرداخته و برای آن منافع خارق‌العاده بسیاری را نقل کرده است: «بدان که صدقه فعلی است که مرض لادواء، یعنی که اندر علاج آن حکیمان عاجز آیند را دفع گرداند و بلاى سماوی و ارضی را رد کند و دولت و جاه را بیفزاید و در اولاد برکت دهد و عمر را نیز دراز سازد کما قال (ع) الصدقه تزید فی العمر...» (۶).

۱۳- تعاریف پزشکی

امن‌آبادی به شرح و تعریف اصطلاحات پزشکی اهتمام بسیاری داشته است. غالباً بیماری‌ها، علل روی‌دادن آن‌ها، تعریف و تشریح اعضای بدن مورد توجه قرار گرفته است: «بدان که معده جسمی است مرکب از گوشت و پی و عروق و شرائین و آن منقسم بر سه قسم است: مری و فم و قصر و آتش مذکور در قعرش می‌باشد و آن نیز چهار نوع است اول آنکه پاک و صاف باشد... آن را به هندی اکن گویند...» (۶). در فصل سیزدهم به بیان کیفیت هفت دهات (۶) پرداخته است. امن‌آبادی هفت دهات را چنین تبیین کرده است: «بدان که هفت دهات هفت قلعه حیاتی است و آن‌ها این‌ها هستند یکی خلاصه طعام که به هندی رس گویند دوم خون سیوم گوشت چهارم پیه پنجم استخوان ششم مغز استخوان هفتم منی...» (۶).

در فصل بیست و نهم که در دفع بعضی امراضی است که اکثر تعلق به سر و دماغ دارند (۶). به مقوله تشریح پرداخته است: «قسم اول در تشریح سر: بدان که سر طرف دماغ است و دماغ اندر وی منقسم بر سه قسم است، یعنی یکی جای عقل و دوم جای فکر و سیوم جای حفظ است و به قول بعضی دماغ

نیز هضم کند آن را به هندی پاپین گویند... و هر دارو که غائط رال پخته و شکسته فرو ریزد، آن را به هندی ابلومن گویند...» (۶).

نسخه‌های دارویی فراوانی نیز بیان شده است، برخی از این نسخ حاصل تجربیات و دانش امن‌آبادی است که وی غالب آن‌ها را به اسامی خاص هندی نامگذاری کرده است. برخی از اقسام دارویی نیز با نام‌های فارسی نامگذاری شده است: «بیارد کهربا و صندل سرخ و گل سرخ و تخم خرفه از هر یکی دوازده درم و صمغ عربی و اسیغول و بهدانه و گشنیز و پلپل دراز و طباشیر و دانه الاچی از هر یکی سه درم بعد از اجزای مذکور به هم دیگر بار ساییده و با همچندان شهد و ترانجبین آمیخته و کافور پاره بر آن خوشبوی چاشنی داده و در آوند آویخته نگاهدارد و به وقت حاجت قدری از این هر روز مریض را بخوراند انشاءالله تعالی از این نیز سرفه و تلخه ذو خشونت حلق و خشکی زبان دفع گردد و این را کیورداجورن نامیدم... و این را سده جهاد کتکه نامیدم... و این را کنکار دپهکی نامیدم...» (۶).

اقسام و انواع اشکال دارویی طب کهن و شیوه تهیه آن‌ها در برخی از فصول نقل شده است. باب چهارم در بیان کشتن دهات‌های و صاف کردن آن‌ها (۶) است. این باب به نوعی در تمهیدات داروسازی است. از آنجا که غالب این فلزات در داروهای طبی کهن کاربرد داشته است به نوعی این باب به سم‌زدایی این فلزات پرداخته است. در فصول این باب از دهاتی چون ارزیز، مس، روی، نقره، زر، سیماب، سرب، فولاد، آهن، طلق و... سخن رفته است.

در باب ششم اقسام مختلف دارویی احصا شده است. در بیان ساختن معاجین و... اشربه و حبوب و... (۶) در چند فصل. فصل اول در معاجین: «معجون مالح که قولنج را بگشاید و استسقا طبلی و لحمی را به اصلاح آرد و هر سه نوع فساد آتش معده... دفع کند و اشتها کمال بخشد...» (۶). طرز تهیه معجون: «صفت: آن دارو ترکته و ترفله و قرنفل و شیطرج دورق قرنفل پلپلمول و عقرقرها و کبابه و سمندرپهل و تیج، یعنی تیزبل گویند و نمک سنگ و نمک زونکار و شخار و خاکستر خرمره و انکوزه بریان و گشنیز و زیره و تخم ترب و

جواین و سیاه‌دانه از هر یکی متساوی الا خاکستر خرمره که آن نیم وزن از یک داروات بعده همه اجزای مذکور را باریک‌تر ساییده و... به آب لیمون داده و با همچندان شهد آمیخته به کار برد» (۶).

فصل دوم این باب در حبوب است (۶). در ضمن این فواید ابتدا فایده نافع حب گفته شده، سپس طرز تهیه آن: «حب دیگر که زکام و سرفه و سردی را دفع گرداند صفت آن سنبل الطیب و قرفیون و عقرقره از هر یکی یک درم و زعفران پنج درم و افیون ده درم و فلفل سفید و ندرالنج از هر یکی بیست درم بعد از اجزای مذکور را به هم دیگر باریک‌تر ساییده و با عسل مصفی حب بسته نگاه دارد و به کار برد و این را بر شعنا ویند و این منقول از اطبا فارسی است» (۶).

فصل سیوم این باب در تدبیر ساختن اشربه است (۶). در این فصل هم ابتدا فواید نافع داروها را برشمرده، سپس تدبیر تهیه آن گفته شده که بسیاری از آن‌ها حاصل تجارب امن‌آبادی است: «نوعی دیگر شراب لسان العصفیر که هر نوع... سرفه و درد مفاصل و عرق‌النسا و بادکوله و نفخ شکم و... و زیادتی آروغ را دافع و نافع باشد و نیز آدمی را فربه کند، صفت آن اندر جو و گلپر و ککر سنکی و سارداد و زنجبیل و... به قدر حاجت ضم ساخته... و این را اندجوادستو نامیدم» (۶). در این فصل علاوه بر شربت‌هایی که ساخته امن‌آبادی است، در عنوانی جداگانه چند شربت از قول اطبا فارس نقل شده است (۶).

فصل چهارم (۶) به مقوله خضاب و رنگ‌های طبی و آرایشی و فصل پنجم در ساختن سفوف‌ها می‌پردازد.

فصل ششم در جوارشات جوارش جالینوس است: «که... اندام را قوت دهد و بوی دهان خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول از سردی مثانه بود بازدارد و سرفه بلغمی را ببرد و باه را قوت دهد...» (۶).

فصل هفتم در طلاهای طلائی است (۶) و فصل هشتم در اطریرفل است (۶).

فصل نهم در اقراض قرص است (۶). در این فصل قرص‌های بسیاری را که مرکب از مواد متعدد است ذکر کرده است.

فصل دهم در تدبیر ساختن انواع مفرح است (۶). برخی از مفرح‌ها ساخته خود امن‌آبادی است که برای آن نام خاص

نقصان و بطلان باشد، سبب آن اکثر از سوءالمزاج سردی باشد که روح متفکره را غلیظ کند از آن جهت اندر افعال طبی آفتی و تفاوتی پیدا آید و آفت این مرض اکثر اوقات خیر میانین می‌باشد از دفاع، علامتش گرانی سر و بسیاری خواب و نقصان فکر و نیز ضرریافتن به چیزهای سردخوردن (۶). سایر فصول در صرع، نسیان و فراموشی مالیخولیا است (۶). «از دیدگاه طب سنتی ایران، افراط غم یکی از اسباب قوی ایجاد مالیخولیا می‌باشد... از سوی دیگر سودا و بلغم از اسباب عمده ایجادکننده بیماری مالیخولیا بوده، می‌توان نتیجه گرفت افزایش بی‌رویه مصرف غذاهای با طبع سرد می‌تواند منجر به افزایش احتمال ابتلا به افسردگی و غم شود» (۱۵). مصرف خوراکی‌های با طبع سرد در تشدید افسردگی و بیماری‌های روان، دقیقاً همان نکته‌ای است که امن‌آبادی نیز آن را بیان نموده است.

۱۶- حفظالصحه

نگاهداشت و پایدارگرداندن تندرستی و دچارنگشتن به امراض، از پایه‌های بسیار اساسی طب سنتی است. «طب سنتی ایران میراث ارزشمند نیاکان این سرزمین، با سابقه نزدیک به ده هزار سال به عنوان یکی از روش‌های طب مکمل و سنتی می‌باشد که با دیدگاه کل‌نگر به درمان بیماران پرداخته و در آن حفظ صحت یا پیشگیری از بیماری‌ها سرلوحه کار طبیب قرار دارد» (۱۶). مقوله مراقبت و حفظ سلامت و پیشگیری در دانش طب سنتی ایران به عنوان حفظالصحه و در هند با نام آیورودا شناخته می‌شود. در این نظام پیشگیری و محافظتی، عوامل مؤثری ذکر شده که رعایت طبی این عناصر، تضمین‌کننده سلامت محسوب می‌شود. «نگاه طب سنتی ایران به علت پیدایش بیماری است که عامل بیماری را غالباً در خارج بدن، یعنی سبک زندگی یا سته ضروریه معرفی می‌کند. سته ضروریه شامل آب و هوا، ماکول و مشروب، حرکت و سکون، اعراض نفسانی، خواب و بیداری و احتباس و استفراغ یا پاکسازی بدن از سموم و حفظ مواد ضروری می‌باشد» (۱۷).

فصل بیست و پنجم باب اول طب اورنگشاهی به موضوع مهم حفظالصحه و پیشگیری از بیماری‌ها اختصاص دارد (۶).

گذاشته است: «این را بوستان ذوق نامیدم...» (۶). فصل یازدهم در ساختن روغن‌های روغن اظفار الکلب (اظفار الطیب = ناخن پریان) است (۶).

۱۵- روانپزشکی

در طب هندی روح و روان جایگاه ویژه‌ای دارد. فصل چهاردهم باب اول در بیان روح است (۶) و فصل پانزدهم در بیان کیفیت پوست خلقت جنین است (۶). در این فصل نیز امن‌آبادی منشأ اقوال و افعال و ادراکات انسانی را مرتبط به تأثیر عناصر اربعه و اخلاط حاصله می‌داند. فصل هفدهم در بیان کیفیت هفت دهات که بالا مذکور رفته تدوین یافته است. این فصل را به نوعی باید مرتبط با طب روانشناختی و مطالعات روان انسان به شمار آورد؛ از این باب که امن‌آبادی غلبه هر یک از دهات و صفات آن‌ها را به خصلتی در نهاد انسان مرتبط دانسته است: «بدان که در ذات آدمی من جمله هفت دهات و بیت است و آنچه غلبه قوت باشد آن را به هندی سار گویند، پس آدمی به اعتبار غلبه این‌ها بر هشت صفات‌اند و هر که را باد کرده بسیار بود در کار دین چست و خردمند و پاکیزه بماند و جوانمرد و دلیر و مهربان بود و در کارهای گزیده باشد و هر که را دندان و ناخن و استخوان سپید و چرب و پیوسته بوند و او را به جماع بسیار رغبت بود و او را پسران بسیار باشد... و هر که را سر بزرگ و کتف پهن و دندان و استخوان زنج و ناخن محکم باشد در وی ماده استخوان قوی و پر بود...» (۶).

فصل بیست و یکم به بحث خواب و بیداری اختصاص دارد. به آیات مرتبط قرآن نیز استشهاد شده است: «و بعضی گفته‌اند که خواب و بیداری امر طبیعی است خدای تعالی برای آسایش بندگان آفریده است، چنانچه در کلام مجید و فرقان حمید خیر می‌دهد و جعلنا نومکم سباتا ای راحه لابدانکم...» (۶). در این فصل در باب سبب خواب و علل مختلف آن سخن گفته است.

فصل سی‌ام در سرسام و برسام است (۶) و فصل سی و یکم در دوار و حمق و رعونت و مانند آن است (۶). علل برخی عیوب نظیر حمق و رعونت را در ناسالمی مزاج دانسته است: «اما حمق... و کودکی است و نقصان عقل و هر چه از جنس

قسم اول در تدبیر اکل و شرب است. لب سخن وی در این قسم رعایت اعتدال در خوردن و آشامیدن و بعضی افعالی است که حرارت غریزی و باقی قوای بدنی را به تحلیل دفع می‌کند (۶). در این قسم از تمثیلات و احادیث مرتبط نیز سود جسته است: «و بعضی طبیبان از آن جهت عمر را تمثیل به چراغ کرده‌اند، چنانکه اگر کسی چراغ را روشن ساخته از باد سخت و غیر ذلک نیک نگاه دارد روشنائیش ماندن نمی‌تواند، پس نباید دانست که بعضی فعل عمر را دراز می‌کند و بعضی کم، لانه قال النبی (ص) که الصدقه زید فی العمر پس حافظ صحت را باید که از اکل و شرب و افعال ناپسندیده خود را نیکو نگاهدارد، دائم از بدن خود متنه باشد... چنانچه خدای تعالی فرموده است که کلوا و اشربوا و لاتسرفوا و نیز قال (ص) المعده بیت الداء...» (۶). در این بخش توصیه‌های پیشگیرانه مفیدی را برای حفظ تندرستی ذکر کرده است. آرای خود امن‌آبادی نیز با قید «فقیر» در متن نوشته شده است: «... و بعضی طبیبان خصوصاً فقیر این عمل را بر مریض در مریض حاده و مزمن نیکو پنداشته‌ام...» (۶). قسم دوم این باب در تدبیر مباشرت است. در این فصل توصیه نموده است که «حافظ صحت را باید از مباشرت کردن گاه و بیگاه خود را نیم نیز دائم متنه دارد چه تا انگیز تمام حاصل نشود، یعنی به تکلف نبود چنانچه به دست مالیدن...» (۶). قسم سوم این باب در تدبیر هواست (۶).

قسم چهارم نیز به مقوله ورزش کردن پرداخته است (۶). «طب سنتی بر نقش پیشگیری‌کننده فعالیت فیزیکی و ورزش و همچنین تقویت‌کنندگی تمام قوا به واسطه ورزش تأکید بیشتری داشته و ورزش را به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ سلامتی مورد تأکید ویژه قرار داده است» (۱۵). نظر امن‌آبادی نیز در باب ورزش شایان توجه است: «بدان که ورزش فعلی است که جوانی را بر پا دارد و بعضی امراض چنانکه گرانی شکم و دمه و اورام بدن و زیادتی پیه که آن را به هندی میدروک گویند و مانند آن را دفع گرداند و نیز تتمه فضله هضم ثالث و رابع را به طریق مسامات مندفع گرداند از آن جهت هیچ مرض در بدن رواوردن نمی‌تواند...» (۶).

قسم پنجم باب مبسوط حفظ الصحه به آداب حمام‌رفتن اختصاص دارد (۶). در آغاز این باب و ضمن بیان معیارهای بنای حمام و ویژگی‌های آن، امن‌آبادی به اهمیت عنصر هوا در ویژگی‌های گرمابه اشاره می‌کند. «از دیدگاه طب سنتی ایران، هوایی که معتدل و صاف باشد و عنصر خارجی با آن مخلوط نشود، عامل صحت و سلامتی فرد است. در صورتی که هوا مخلوط باگرد و غبار و بخار و دود و سایر آلاینده‌ها باشد، مضر سلامتی فرد بوده و بیماری‌های مختلفی را ایجاد خواهد کرد. از دیدگاه حکما، هوایی که صاف و بدون مواد مضر باشد، تقویت‌کننده عملکرد اعضای چون قلب و مغز خواهد بود و یکی از عملکردهای اصلی هوای معتدل و صاف، تقویت و بهبود عملکرد اعضای اصلی از جمله قلب و مغز می‌باشد. در این حالت بدن در بهترین حالت و در اعتدال بوده و میزان غم و اندوه در حداقل ممکن خواهد بود» (۱۵). امن‌آبادی درباره ویژگی‌های حمام می‌نویسد: «بدان که نیکوترین حمام آن است که قدیم‌البنیاد و وسیع باشد و نیز هوایش خوشبو و آتش شیرین بود و در گرمی و سردی قریب الاعتدال باشد، یعنی نهایت مایل به طرف گرمی یا سردی نباشد...» (۶). «تأثیر شرایط محیطی و زیست‌محیطی در حفظ سلامت نیز شناخته شده است. عوامل تأثیرگذار عبارتند از هوا، غذا، ورزش، استراحت، خواب و آرامش ذهنی. در رساله بقراط نیز تأثیر مهم هوا، آب‌ها و مکان‌ها مشهود است» (۱۸). آداب گرمابه رفتن به تفصیل در این باب بیان شده است.

قسم ششم در تدبیر شراب‌خوردن است. رویکرد امن‌آبادی به شراب از زاویه طبی و تجویزی و به دور از تعصب است: «بدان که شراب در دین اسلام حرام است، اما به واسطه فواید... طبیبان اندر کتب مذکورش آورده‌اند، پوشیده نماند که منافع شراب بسیارند، بعضی نفسانی‌اند... و بعضی منافع بدنی‌اند... کتحسین اللون و انارته...» (۶). «اما به قول بعضی منافع شراب آن است که مزاج و حرارت آن مناسب حرارت غریزی است، بدین سبب حرارت غریزی را بیفزاید و طعام را نیک بگوارد و اخلاط را بیزند و بگدازد و از آن جهت بعضی به اسهال و بعضی باه پر از بول و بعضی به عرق و بعضی به قی دفع کند...» (۶). «چنانچه وسواس و ماخولیا و کُندفهمی و...

دلایل علم و تجربه و گوشه‌نشین، هفتم قناعت و خوش خلقی و مانند آن، چراکه هر حکیمی که خارج از صفت‌های بالا باشد آن در حقیقت حکیم نمی‌باشد...» (۶). در ادامه خصایص طبی حکیم را برشمرده است. اغلب ویژگی‌های احصا شده ناظر به اخلاق پزشکی است. در این فصل بسیاری از تدبیرهای نافع پزشکی ذکر شده‌اند. در فصل بیست و هفتم و در قالب نظم شرایط طبابت و نگاهداری آن برشمرده شده است (۶).

۱۸- بیماری‌های زنان

باب سیوم اثر به بیماری‌های زنان پرداخته است (۶). این باب در چند قسم است. ساختار بحث دقیقاً مشابه باب دوم است که امراض عمومی را بررسی کرده است. فصل اول در دفع کثرت‌الطمت (۶) است. ذیل فصول ابتدا علامات و سپس علاج‌ها را بررسی کرده است. سایر فصول به ترتیب عبارت است از: دفع بستن حیض و البته امن‌آبادی علت آن را از کم‌خونی دانسته و نشانه‌های آن را لاغری، زردی رنگ و عدم هضم طعام و... می‌داند. عناوین سایر فصول به ترتیب عبارت است از: دفع اختناق رحم، در دفع رتق، در دفع کمی شیر، در دفع یختگی پستان، در دفع عقیمت زن، در درد زه یعنی به دشوار زاییدن، در دفع بواسیرالرحم، در دفع خارش زهدان و در دفع ورم زهدان، در دفع شق زهدان، در دفع ریش زهدان و... (۶).

۱۹- تدابیر درمانی

در باب پنجم دستورالعمل‌های درمانی در بعضی تدبیرهایی که مدار طبابت بروست چنانچه اسهال و قی و فصد و حجامت و حقنه و مانند آن، بررسی شده است (۶). این باب مشتمل بر چند فصل است: فصل اول در درمان اسهال (۶) است و در این فصول داروهای بیماری مذکور را بیان نموده است. فصل دوم در قی‌کنانیدن است (۶). تدبیر و توصیه‌های طبی: «بدان که چون طبیب خواهد که مریض را قی بکناند اول چهار تدبیر را که در فصل اسهال اظهار کردیم، در عمل آورده بعده در شب مریض را غذا ضد ماده مرض بخوراند و فردا دارو قی داده قی بکناند، اما به وقت قی‌گرداندن چشم و شکم مریض بستن و نیز بر صندلی نشاندن دقی‌کناندن با صواب است...» (۶). فصل سیوم در حقنه‌کردن (۶) است. ذکر فواید درمانی: «بدان

حواس باطن و سکنه و صرع و رعشه و فالج و خناق و هذیان... گرفتار گردد...» (۶). قسم هفتم این باب در بیان نوشیدن روغن است (۶). امن‌آبادی روغن گاو را برای «شخصی که کم‌قوت افتاده باشد و یا به سبب حرارت لاغر بود و یا بدنش به سبب زیادتی سودا خشک بود و یا از خوردن زهر مریض گشته باشد... مثل آب حیات» (۶) شفا بخش می‌داند. در ادامه به آرای اطبا هند اشاره کرده است: «اما اطبا هند اکثر اوقات بر نوشیدن روغن آب گرم نیکو پنداشته‌اند...» (۶). در این قسم ذیل عنوان مذکور به فایده به ذکر فواید انواع روغن‌ها برای بیماری‌های مختلف پرداخته است. قسم هفتم این باب به روغن‌مالیدن بر اندام و مسواک‌کردن و روغن... و مانند آن مختص شده است (۶).

۱۷- خصایص اطبا

طبابت از مشاغل شریف روزگاران کهن است و از دیرباز شرایط بسیاری برای پرداختن بدان مد نظر بوده است. تعدادی از این لوازم، کسب معلومات و شایستگی برای اقدام بدین فن است که می‌توان آن‌ها را بایسته‌های طبی نامید و گروه دیگری پاره‌ای خصلت‌ها و فضایل اخلاقی است که شایسته فن طبابت محسوب می‌شده است. در پیشینه طب هند نیز معاینه دقیقی برای اطبا و پرستاران ذکر شده است: «... طبیب باید لباس خود را تمیز و پاکیزه نگه دارد، صورت خود را همواره خوب اصلاح کند و نگذارد که ناخن‌هایش بلند شود. لباس سفید و کفش بپوشد و با یک نگاه ملایم و پر از ملاحظت که حاکی از دوستی و صمیمیت او نسبت به همه آفریده‌ها و به ویژه به هم‌نوعان خود است، به بیماران نگاه کرده...» (۱۱). باب اول فصل بیست و ششم مباحث ارزشمندی را پیرامون خصایل اطبا و حکمای قدیم برشمرده که نشانگر معاینه طبی و بعضاً اجتماعی پیرامون این شغل خطیر است. اسلوب سخن به نحوی است که گویا با شبه‌سوگندنامه‌ای کهن سر و کار داریم. به جهت اهمیت مباحث و نیز رویکرد تاریخی این بحث، خلاصه‌ای جامع از این باب در مورد خصایص اطبا نقل می‌گردد: «اول حق‌شناسی، دوم راست‌گویی، سیوم خیراندیشی دوستان و دشمنان، چهارم محترزبودن از فرقه‌های زنان و پنجم پوشیدن لباس محتشمانه و ششم دائم مشغول بودن به

(۶). مفردات طبی به ترتیب حروف هجا در چند فصل مرتب و مذکور شده‌اند. برای نمونه فصل اول، فصل الالف است و با مدخل ابریشم آغاز شده است: فصل الالف: ابریشم: گرم است و خشک و بعضی طبیبان معتدل گفته‌اند و آن مقوی دل و دافع حزن باه و قلت نعوظ است» (۶). ذکر طبیعت و مزاج مفرده و بیان فواید در ضمن هر یک از مداخل مورد نظر بوده است: «فصل الباء: بابونج رم و خشک است در اول...» (۶).

نتیجه‌گیری

امن‌آبادی از پزشکان حاذق ایرانی است که در عصر صفویه به هند مهاجرت کرده و اثری موسوم به طب اورنگ شاهی را در آنجا نوشته و به اورنگ زیب گورکانی تقدیم داشته است. از احوال وی اطلاع خاصی در دست نیست. اثر او موسوم به طب اورنگ شاهی تاکنون تصحیح نشده و از آن چاپ منقحی وجود ندارد. از این کتاب ۵ نسخه در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد. طب اورنگ‌شاهی دانشنامه‌ای طبی و نسبتاً مبسوط است. مصنف در هفت باب و سیصد و چهار فصل غالب مبانی طب کهن را به لحاظ شناخت بیماری‌ها و علائم آن‌ها، تدبیرهای درمانی و داروشناسی طرح و بررسی کرده است. از مهم‌ترین خصایص اثر، بیان مباحث و مطالب طب کهن هندی در کنار مبانی طب سنتی ایران است. امن‌آبادی در مقام پزشکی حاذق آرای خویش را نیز ذکر کرده است. علاوه بر این بسیاری اصطلاحات کهن طب هندی و مفردات هندی در متن اثر درج شده است. از بابت دارو و تهیه نسخه‌های دارویی، اثر جامعیت کم‌نظیری دارد، چرا که اولاً تنوع داروهای گیاهی در هند فراوان است؛ ثانیاً مصنف اثر نیز در این زمینه تجربیات و مشاهدات فراوانی دارد و بسیاری از نسخه‌های دارویی از اختراعات دارویی او محسوب می‌گردد که البته برای آن‌ها اسامی خاص فارسی و هندی گذارده است. امن‌آبادی در بحث از بیماری‌ها، ساختار دقیق و جامعی را ایجاد کرده است، به نحوی که بیماری را تعریف نموده، اسباب و علل آن را برشمرده، سپس تدابیر درمانی و دارویی را خاطر نشان می‌سازد.

که حفته عملی است که هر مرض سودایی را به اصلاح آرد، خصوصاً روده را اسپغل را از خلط فاسد پاک سازد و قولنج را بگشاید و مجاری خلاصه طعام صاف کند...» (۶). فصل چهارم در فصدکردن است و ابتدا تعریف را گفته است: «بدان که فصد عملی است که ماده هر مرض دموی را به اصلاح آرد و هر سه اعضای رئیسه را از کسافت کیموس صاف گرداند و هر هفت دهات را خفیف سازد و غصه و فکر و کابوس را نیز دفع کند و از دنبل و جدری و باد و گرد و طپاک درونی و مانند آن آدمی را ایمن کند...» (۶). توصیه‌های طبی خطاب به طبیب: «اما چون طبیب را احتیاج به فصد افتد آن زمان از هفت تدبیرها متنبه بوده فصد کند چه آنکه اول مریض را فصدکردن درست است یا نه چنانچه زن حامله و صبی و پیر را ممنوع است و دوم آنکه مریض قوت فصد دارد یا نه...» (۶). فصل پنجم در حجامت فرمودن: «بدان که حجامت عملی است که برای خایفان و صبیان و ملوکان و نازکان و پیران و مانند آن کار می‌آید و گاه باشد که مفیدتر از فصد می‌باشد، اما چون طبیب را احتیاج به سوی حجامت افتد آن زمان از بعضی از تدبیرهای مذکور که در فصل‌های مسهل و فصد اظهار کردیم متنبه بوده...» (۶).

در فصل سی و ششم که در مرض سکنه است (۶) امن‌آبادی تدبیر خاصی را برای اطمینان از تشخیص مرگ و یا حیات احتمال بیمار پیشنهاد داده است: «بدان که سکنه حالتی است که حس و حرکت جمیع اعضا و آلات معطل شود و گاه باشد که تنفس نیز در نتواند یافت و شبه افتد که زنده است یا نه... دویم آنکه اگر آن زمان سیماب حاضر باشد قدری بر دلش نهاده موم و یا خمیر گردش داده نگاه باید داشت، یعنی اگر سیماب بلرزد تا هم زنده است، خصوصاً این هنر اخیره از فقیر است و نیز سبب این مرض از سده تام است در بطون و دماغ...» (۶).

۲۰- مفردات طبی

مفردات و معرفت آن‌ها از مقولات پرتکرار در آثار طبی است که به شیوه واژه‌نامه‌ای فهرست می‌شوند. هدف از این کار سهولت دسترسی به درمان‌ها و خواص برشمرده برای مفردات است. باب هفتم طب اورنگ شاهی در معرفت مفردات است

References

1. Allgood S. A Medical of Persia and the Eastern caliphate. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir; 1356. p.24-420. [Persian]
2. Loloie K, Ahmadi SH. The medical status and hospitals of Iran in the Safavid era. *Quarterly Journal of History* 1391; 6(17): 3-20. [Persian]
3. Ravandi M. Iranian Social History. Tehran: Negah; 1378. p.10, 401-402. [Persian]
4. Speziale F. The encounter of medical traditions in Nur al-eDin Shirazi Ilajat-i dara shukuhi *Iran Namag* 2016; 1(3): 104-118. [Persian]
5. Derayati M. List of manuscripts in Iran. Tehran: Majles; 1388. p.7, 285. [Persian]
6. Amnabadi DMH. Teb e Ourangshahi. Manuscript: Maintained in Majles library with registration number 18122, Writing in 1111 Lunar: 603, 1, 1-2, 4, 4-5, 6-7, 14, 41, 44, 93, 94, 5, 21, 184, 135, 6, 9, 135, 8, 7-8, 72, 232, 485, 19, 21, 285, 49, 128, 500, 523, 526, 527-528, 530, 531, 532, 536, 538, 543, 544, 546, 547, 548, 548, 23, 24, 28-29, 38, 298, 300, 302, 306, 308, 313, 52, 53, 57, 59, 60, 61, 62, 63, 64, 66, 67, 72-73, 75, 478, 48, 491, 480, 510, 511, 512, 513, 315, 562, 565. [Persian]
7. Saini A. Physicians of ancient India. *Journal of Family Medicine and Primary Care* 2016; 5(2): 254-258.
8. Kanti Das M, Kumar S, Kumar Deb P, Mishra S. History of Cardiology in India. *IHJ* 2015; 67: 163-169.
9. Lele RD. Ancient Indian Insights and Modern Discoveries in Nutrition, Exercise and Weight Control. *JAPI* 2012; 60: 30-41.
10. Pandey MM, Rastogi S, Rawat AKS. Indian Traditional Ayurvedic System of Medicine and Nutritional Supplementation, Evidence-Based Complementary and Alternative Medicine. 2013. Article ID.376327 p.1-12.
11. Rahbar A. The history of medicine in Ancient History. *Kaveh* 1349; 31: 349-365. [Persian]
12. Imami Meybodi MA. Research/ Iranian-Islamic medicine on history. *Meshkat* 1372; 29: 64-77. [Persian]
13. Montasab mojab H. Traditional medicine to literature poetry. *Motaleat Ketabdari* 1382; 56: 103-111. [Persian]
14. Lohiya NK, Balasubramanian K, Ansari AS. Indian folklore medicine in managing men's health and wellness. *Andrologia* 2016; 48: 894-907.
15. Araj Khodaei M, Ghaffari F, Emadi F, Emaratkar E, Alijaniha F, Noorbala AA, et al. Healthy lifestyle in Prevention and Treatment of Depression from the View of Iranian Traditional Medicine. *History of Medicine Journal Quarterly* 1396; 9(30): 169-192. [Persian]
16. Mozaffarpour SA, Mojahedi M, Saghebi R, Mahmoudpour Z. Effective medical plants extracts on bloating in traditional Persian medicine. *History of Medicine Journal Quarterly* 1395; 8(27): 11-27. [Persian]
17. Ansaripour M, Naseri M, Mahdi Esfehni M, Nabipour I, Rakhshani F. Modernity and tradition in medicine. *History of Medicine Journal Quarterly* 1396; 9(30): 139-167. [Persian]
18. Poulakou-Rebelakou E, Karamanou M, George A. The Impact of Ancient Greek Medicine in India: The Birth of Unani Medicine. *Acta Med Hist Adriat* 2015; 13(2): 323-328.